

کاوشی نو در معارف قرآنی
سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، پیاپی ۲
صص ۷۹-۹۴

تحلیل اجتماعی بحران‌های اقتصادی از دیدگاه مقریزی و تطبیق آن با آیات قرآن کریم

علی غلامی دهقی*، فاطمه مدبر**

چکیده

جامعه‌شناسی تاریخی همواره شاه راهی برای کشف قانون‌مندی‌های اجتماعی بوده که خدمات کاربردی مهمی را در اختیار جامعه قرار می‌دهد. بررسی‌های اقتصادی نیز، دانشی اجتماعی است که یکی از موضوع‌های محوری آن، بحران‌های اقتصادی است که گاهی از آن به تحولات اقتصادی نیز تعبیر می‌شود. از جمله آثاری که با اهتمام دکتر جمال الدین الشیال در سال ۱۳۵۸ هـ ق منتشر شده، چاپ کتابی تألیف تقی‌الدین احمد بن علی مقریزی مورخ مصری قرن نهم، به نام «أغاثة الأمة بکشف الغمة» است که به دلیل نگاه فلسفی و توجه خاص او به تأثیر مسائل اجتماعی و اقتصادی به رویدادهای تاریخی، متمایز از دیگر آثار اوست. مقریزی در این اثر بر اساس روش تحقیق اجتماعی میدانی در بررسی بحران‌های اقتصادی در کشور مصر عمل کرده و در این رابطه نظریه ویژه‌ای ارائه داده است. بررسی نظریه اجتماعی مقریزی با رویکرد به آیات قرآن و برهان‌های او پیرامون علل و اسباب پیدایش بحران‌ها مسأله این پژوهش است.

واژه‌های کلیدی:

قرآن کریم، مقریزی، بحران‌های اقتصادی، نظریه اجتماعی، نظریه مقداری پول

مقدمه

آثار مهم دیگر او عبارت است از: «الإمام باخبر من بارض الحبشه من ملوک الاسلام»، «التنازع (النزاع) والتخاصم فیما بین بنی امیه و بنی هاشم»^۱، «المقفی الكبير»، «امتاع الأسماع بما للرسول من الابناء و الاحوال و الحفده و المتاع»، «الخبر عن البشر»، «شذور العقود فی الذکر النقود» و تألیفات دیگری از مقریزی ثبت شده که بعضاً چاپ نشده پیش روی ماست.

اما یکی از آثار گران سنگ این تاریخ نگار مصری که در واقع یک اثر جامعه شناختی و اقتصادی است و مغفول و مجهول مانده، رساله کم حجم «أغانة الأمة بکشف الغمة» (نجات امت با برطرف کردن غم و اندوه) است. این کتاب به منظور روشن سازی دلایل شکل گیری نابسامانی های اجتماعی و اقتصادی در یکی از ادوار مهم تاریخ اسلام یعنی عصر ممالیک ترک نوشته شده است.

عصری که غلامان و جنگجویان دولت پیشین به رغم توانمندی نظامی و قدرت اخراج صلیبی ها از صفحات شرقی مدیترانه و ممانعت از دست اندازی مغولان بر مصر و شام نتوانستند سامان اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مردم را تقدیر و تدبیر کنند، و این نبود جز به علت بی تدبیری و عدم ثبات در سازمان حکومتی ممالیک (ابراهیم حسن، ۱۹۶۷، ص ۲۹۴).

یکی از اقشار و گروه های اجتماعی که حاکمان مملوکی را از این بی تدبیری پرهیز می دادند، فقیهان و عالمان دینی بودند. مانند محمد بن محمد بن خلیل

تقی الدین احمد بن علی مقریزی (۷۶۶-۸۴۵ هـ) از کارگزاران دیوان انشاء، قاضی، خطیب و محتسب قاهره در دولت ممالیک مصر بود. تألیف کتب متنوع در حوزه تاریخ اسلام، دولت های مسلمان، جغرافیای تاریخی و تاریخ اجتماعی مصر، از او چهره شاخص و کم نظیری در تمدن اسلامی ساخته است. آثار ماندگار تاریخی او عبارتند از:

- «اتعاظ الحنفاء باخبار الائمة الفاطمیین الخلفاء»^۱
این کتاب تاریخ اختصاصی دولت فاطمی از آغاز شکل گیری در افریقیه تا سقوط آن به دست ایوبیان است.

- «السلوک لمعرفة دول الملوک»^۲ این اثر در واقع ادامه کتاب پیشین و درباره تاریخ مصر در دو عصر ایوبی و ممالیک (سال های ۵۶۷ - ۸۴۴ هـ) است.

- «المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الآثار»^۳
معروف به خطط مقریزی که تألیفی ارزشمند در جغرافیای تاریخی مصر است. تحول جغرافیایی قاهره و مصر، آثار و ابنیه آن، تقسیمات جغرافیایی این سرزمین در دوران اسلامی و... محتوای خطط است. شناخت مقریزی بیشتر از رهگذر سه کتاب مذکور است.

۱- این تاریخ نامه در سه مجلد و توسط جمال الدین شیال و محمد حلمی تحقیق و در سال های ۱۳۸۷-۱۳۹۳ هـ قاهره چاپ شده است.

۲- این کتاب در چهار قسمت (مجموعاً ۱۲ مجلد) و توسط محمد مصطفی زیاده و سعید عبدالفتاح عاشور تحقیق و در سال های ۱۹۳۴ - ۱۹۷۳ هـ قاهره چاپ شده است.

۳- قدیمی ترین چاپ این کتاب متعلق به مطبعه بولاق قاهره در ۱۲۷۰ هـ و جدیدترین آن با تحقیق گرانسنگ ایمن فواد سید و توسط موسسه الفرقان در لندن عرضه شده است.

۴- تحقیق دکتر حسین مؤنس (قاهره، ۱۹۸۸م). این کتاب به قلم سید جعفر غضبان به فارسی برگردان شده است.

بعد «چارلز موراز» عضو تحریریه مجله آنال اظهار داشت (هویرت، ۱۳۸۵، ص ۳). مقریزی پنج قرن پیش از «لوسین فور» فرانسوی (۱۸۷۸-۱۹۵۶م) که با تألیف دو اثر معروفش «سرزمین و تکامل انسانی»^۴ و «راین: مشکلات تاریخی و اقتصادی»^۵ ارتباط تاریخ و جغرافیا را تأکید کرد و نشان داد به واسطه ساختارهای اجتماعی و فرهنگی، محیط بر انسان اثر می‌گذارد، با تمرکز بر حوادث مرتبط با رود نیل، تأثیر جغرافیای طبیعی بر توسعه یا عدم توسعه را تبیین کرد و اساساً دیدگاه «فرناندو برودل» (۱۹۰۲ - ۱۹۸۵م) وارث «الوسین فور» مبنی بر نقش سرزمین در تاریخ را قرن‌ها قبل تشریح کرد.

می‌توان گفت نظریه اجتماعی مقریزی را یک متغیر مستقل و چند متغیر وابسته شکل می‌دهد. او ریشه و اساس بحران اقتصادی و اجتماعی را در سوء تدبیر حاکمان و زمامداران و غفلت و بی‌خبری آن‌ها از مصالح مردم دانسته است (متغیر مستقل). او معتقد است از این عامل اصلی، عوامل دیگری همچون احراز مناصب دولتی با رشوه، بالا رفتن هزینه‌های دولتی و رواج انواع پول کم ارزش به جای درهم و دینار، به وجود می‌آیند، که می‌توان از آن‌ها به عنوان متغیرهای وابسته تحقیق تعبیر کرد. کتاب کم حجم «أغاثة الأمة بکشف الغمة» در بر دارنده دو نظریه از نظریات جدید و پیچیده اقتصادی است، که یکی با بحران‌ها و نقش آن‌ها مرتبط است و دیگری به تثبیت قیمت و پول نقد و بررسی تحولات آن ارتباط دارد. در این نوشتار نظریه اجتماعی مقریزی به تفصیل تشریح خواهد شد.

اسدی که کارمند دیوان انشاء و محتسب دولت ممالیک برجی یا چرکسی بود. او تألیفاتی از خود برجای گذاشته و برخی از آن‌ها را برای مسئولان دولتی تألیف کرده است؛ مانند «التیسیر و الاعتبار و التحریر و الاختیار فیما یجب من حسن التدبیر و التصرف و الاختیار» که مهمترین اثر او در حوزه سیاست و جامعه شناسی است.^۱

تاج الدین سبکی (۷۲۷ - ۷۷۱ ق) در کتاب «معید النعم و مبدء النقم»^۲ ضمن بحث از نظام مالی و اداری ممالیک و وظایف دیوان‌های آن عصر دلایل فساد و بحران‌های ملی عصر ممالیک را تشریح می‌کند و نیز ابن قیم جوزیه (۶۹۱-۷۵۱ ق) با تألیف «الطرق الحکمیة فی السیاسة الشرعیة» و همین طور استادش ابن تیمیه فقیه مشهور حنبلی دغدغه‌های خود را در این باره بیان کردند. اما بیش از همه مقریزی با تألیف «اغاثة الأمة بکشف الغمة» اثرگذار بوده است. مقریزی پنج سده پیش از ظهور مکتب «آنال» توجه خود را در این کتاب به موضوعاتی معطوف داشته که قابل اندازه‌گیری و شمارش باشند، درست در زمانی که مفاهیمی چون آمار برای غربی‌ها ناآشنا بوده است.^۳ او نشان داد نویسنده و مورخی است که در

بررسی‌های تاریخی خود اقتصاد و جامعه شناسی را نادیده نگرفته است. همان دغدغه‌هایی که چند قرن

۱- این کتاب با تحقیق دکتر عبد القادر احمد طلیمات (قاهره، ۱۹۶۷م) چاپ شده است.

۲- تحقیق محمد علی النجار، ابوزید شلبی و محمد ابو العیون (قاهره، ۱۴۱۴م).

۳- پژوهشگران معتقدند از قرن سیزدهم میلادی تا ۱۶۸۰م مرحله "پیش‌آماری"، ۱۶۸۰ تا آغاز قرن نوزدهم "قریب آماری" و قرن نوزدهم، قرن "آماری" است (عبداله العروی، ۱۹۹۲م، ج ۱، ص ۱۴۲).

اقتصادی و اجتماعی متأثر از محیطی هستند که نظریه پردازان در آن می‌زینند. باید گفت شرایط بحرانی جامعه مصر، که مقریزی خود آن را لمس می‌کرد باعث شد تا او دست کم از جهت تئوری به فکر چاره اندیشی بیفتد و به نگارش چنین اثری در ارائه اندیشه اجتماعی خویش، اقدام کند.

۱-۲. تجارب شخصی و واقع نگری

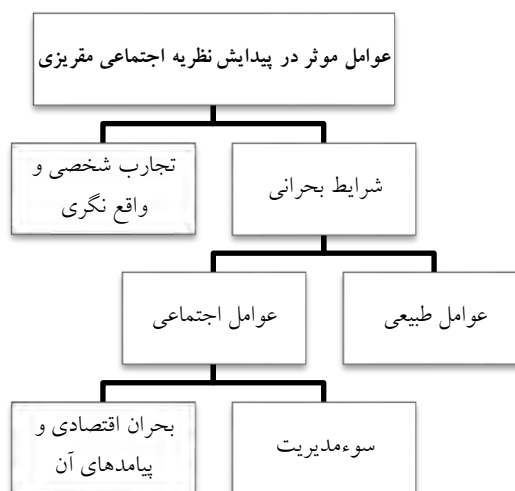
مقریزی برای مدتی در قاهره مسئولیت حسبه را بر عهده داشته است که این منصب او را با واقعیت‌های جامعه بیشتر آشنا کرده و به عنوان یک کارشناس، به زوایای پنهان حیات اقتصادی آن پی برد. او با آگاهی و بصیرتی که داشت می‌دید که چگونه سوء تدبیر زمامداران، آثار مخرب خود را در جامعه نشان می‌دهد و مردم را با مشکلات فراوانی رو به رو می‌سازد. بنابراین، این تجربه‌های شخصی و عهده داری مسئولیت‌های مهم، وی را به چنین نظریه‌ای رساند (مقریزی، ۱۴۲۰، ص ۵).

۲. عوامل بحران زا در جامعه

۱-۲. عوامل طبیعی

با این که نظریه اجتماعی مقریزی، بر پایه عوامل اجتماعی بحران در جامعه شکل گرفته، اما او از این نکته غفلت نکرده است که عوامل طبیعی هم در ایجاد آن موثرند. به همین سبب، با همه جانبه نگری و اعتدال مناسبی می‌نویسد: بحران‌های اقتصادی، گرانی و قحطی همیشه از آغاز زندگی بشر تا به امروز بوده و خواهد بود و در بیشتر موارد این بحران‌ها در مصر زاینده آفات آسمانی همچون جاری نشدن آب نیل در مصر، نباریدن باران در سرزمین‌های شام، حجاز، عراق و یا آفات زیان‌بار دیگری مانند بادهای سمی،

مدل نظری نظریه اجتماعی مقریزی



۱. عوامل موثر در پیدایش نظریه اجتماعی مقریزی

هر نظریه اجتماعی در اوضاع و شرایط ویژه‌ای بروز می‌کند و عواملی در پیدایش آن موثرند. در پیدایش و شکل‌گیری نظریه و اندیشه مقریزی نیز عواملی دخیل بوده‌اند. در مجموع می‌توان عناصر و عوامل تشکیل دهنده نظریه اجتماعی مقریزی را در موارد ذیل خلاصه کرد:

۱-۱. شرایط بحرانی

موضوع اصلی و اساسی دانش جامعه‌شناسی بحران‌های اجتماعی است و این علم زاینده بحران‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است. به نظر گاستون بوتول، برجسته‌ترین پیشرفت‌ها در تفکرات مربوط به پدیده‌های اجتماعی، در دوران‌های بحرانی یا هنگام بروز بحرانی ویژه به وجود آمده‌اند (آزاد ارمکی، ۱۳۷۶، ص ۶۹). آنچه مقریزی به آن پرداخته است تنها یک بررسی اقتصادی صرف نیست، چون او این بحران را در پرتو متغیرهای اجتماعی و سیاسی بررسی نموده است، چرا که به طور طبیعی نظریات

پیدایش بحران‌های اقتصادی و اجتماعی در جامعه، سوء تدبیر حاکمان و زمامداران است، همان‌هایی که از مصالح مردم غافل و بی‌خبرند.

مقریزی به برخی نمونه‌ها اشاره نموده و در گزارش بحران زمان فرعون پسر مسور، نهمین پادشاه مصر پیش از طوفان نوح (ع) می‌نویسد: «و سببه أن الظلم و الهرج کثر حتی لم ینکره أحد، فأجذبت الأرض و فسدت الزروع و جاء بعقب ذلک فهلک الملک فرعان و هو سکران» (مقریزی، ۱۴۲۰، ص ۱۷). وی ظلم و ستم و هرج و مرج را عامل فحطی و فساد دانسته است. همچنین او به بحرانی در زمان سومین فرعون از فراعنه مصر اشاره کرده است که با تدبیر حضرت یوسف (ع) برطرف شده و قرآن کریم هم از آن یاد کرده است (مقریزی، ۱۴۲۰، صص ۱۹-۲۰). مقریزی پیامدهای سوء مدیریت را در سه مورد منحصراً کرده است:

۲-۲-۱-۱-۱. احراز مقام‌های دینی و دولتی با رشوه (فساد سیاسی)

مقریزی فساد سیاسی را ریشه و اساس فساد در جامعه می‌داند؛ که دیگر مفاصد پیامد آن است. فساد سیاسی در دیدگاه وی چنین تصور می‌شود که گروهی با پرداخت رشوه، برخی مقام‌های حساس و مناصب کلیدی قدرت سیاسی و دینی را عهده دار می‌شوند، که جز با پرداخت مال فراوان کسی نمی‌تواند به آن دست یابد. نتیجه آن می‌شود که هر ناآگاه و مفسد به جایگاهی دست می‌یابد که هرگز آرزویش را هم نمی‌کرد. به طور طبیعی، وقتی کسانی با دادن رشوه به این مقامات می‌رسند، با رسیدن به قدرت، مال از دست رفته را با احتکار کالاها و

ملخ و ... بوده‌اند. این سنت خداوند درباره آفریدگانش است که وقتی از دستورهای او نافرمانی می‌کنند و مرتکب گناه می‌شوند، به این مصیبت‌ها گرفتار می‌آیند (مقریزی، ۱۴۲۰، ص ۵۹).

مقریزی نخستین بحران و گرانی به وجود آمده در مصر، در زمان هفدهمین پادشاه از پادشاهان مصر پیش از طوفان را گزارش می‌کند، و می‌نویسد: «و کان سبب الغلاء، ارتفاع الأمطار و قلة ماء النيل» (مقریزی، ۱۴۲۰، ص ۱۷). علت پیدایش گرانی، نیامدن باران و کم شدن آب رود نیل بود.

۲-۲. عوامل اجتماعی

مقریزی پس از بیان تأثیر عوامل طبیعی در ایجاد بحران در جامعه می‌نویسد: «اما آنچه امروز در کشور به وجود آمده، بر خلاف گذشته، معلول عوامل طبیعی نیست» (مقریزی، ۱۴۲۰، ص ۵۹). بلکه عوامل اجتماعی در آن دخالت دارند. اکنون این عوامل و کارکردهای آن‌ها را از دیدگاه مقریزی بررسی می‌کنیم:

۲-۲-۱. سوء مدیریت

مقریزی در آغاز کتاب خویش چنین می‌نویسد: «و من تأمل هذا الحادث من بدایته الی نهائیه و عرفه من اوله الی غایته، علم أن ما بالناس سوی سوء تدبیر الزعماء و الحکام و غفلتهم فی مصالح العباد» (مقریزی، ۱۴۲۰، ص ۱۲)؛ اگر کسی در این گونه رویدادها دقت و تأمل کند و آغاز تا انجام آن را خوب بشناسد، خواهد فهمید که علت تمام این ناگواری‌ها، بی‌تدبیری زمامداران و غفلت و بی‌خبری آنان از مصالح مردم است نه گرانی و فحطی‌های ویران‌گر. بنابراین، از دیدگاه مقریزی عامل اصلی

افزایش مالیات‌ها و نرخ‌ها، تأمین می‌کنند (مقریزی، ۱۴۲۰، صص ۶۲-۶۳).

مقریزی به وجود این نوع فساد سیاسی در زمان حیات خویش اشاره کرده و می‌نویسد: فساد سیاسی تا سال ۸۰۶ ق یعنی تا زمان مرگ الظاهر برقوق (از سلاطین ممالیک برجی ۹۲۲-۷۸۴ق) ادامه یافت، اما آثار نامطلوب آن پس از مرگ وی پدیدار شد، چون او به نیازمندان مستمری پرداخت می‌کرد و هنوز در دست مردم کالایی بود و می‌توانستند در برابر گرانی و قحطی مقاومت کنند و کسی از گرسنگی نمی‌مرد، اما پس از مرگ برقوق وضعیت بدتر شد و قیمت‌ها بالاتر رفت به طوری که منجر به شورش روستائیان گردید (مقریزی، ۱۴۲۰، صص ۶۳-۶۴).

این قسمت به آیه ۱۶ سوره مبارکه اسراء اشاره دارد: «وَ إِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا» و چون بخواهیم شهری را هلاک کنیم، خوشگذرانان را و می‌داریم تا در آن به انحراف و فساد پردازند، و در نتیجه عذاب بر آن شهر لازم گردد، پس آن را یکسره زیر و رو کنیم.

معنای جمله «وَ إِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً» این است که وقتی زمان هلاک کردن قومی نزدیک شد چنین و چنان می‌کنیم، و این تعبیر از قبیل این است که می‌گویند: وقتی فلانی می‌خواست بمیرد چنین و چنان گفت، و آسمان وقتی می‌خواست بیارد فلان جور شد، چون پر واضح است که هیچ کس به حقیقت معنای اراده، اراده مردن نمی‌کند، و آسمان هم اراده باریدن ندارد، در قرآن هم آمده «فَوَجَدَا فِيهَا جِدَارًا يُرِيدُ أَنْ يَنْقُضَ» (کهف: ۷۷)؛ دیواری یافتند که می‌خواست خراب شود.

پس در همه این موارد، اراده به معنای نزدیک شدن وقت عمل است. چون برگشت آن به تحقق اسبابی است که اقتضای هلاکت ایشان را دارد، و آن عبارت از کفران ایشان به نعمت و طغیان به معصیت است، هم چنان که فرموده «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» (ابراهیم: ۷)؛ اگر شکر بگزارید قطعاً نعمتهایتان را زیادتر می‌کنم و اگر کفران کنید، عذاب من شدید است.

نیز فرموده: «الَّذِينَ طَغَوْا فِي الْبِلَادِ، فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفُسَادَ، فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ، إِنَّ رَبَّكَ لَبَالْمُرْصَادِ»؛ کسانی که در بلاد طغیان ورزیده در آنها فساد را زیاد کردند، پس پروردگارت تازیانه عذاب را بر ایشان فرود آورد که پروردگار تو در کمینگاه است (فجر: ۱۱).

زمخشری در توجیه این امر گفته است: امر در اینجا حتماً امری است مجازی، و اما وجه مجازیت آن این است که خداوند نعمت را بر آنان بسیار کرده و وسیله پیروی شهوات را بر ایشان فراهم نموده پس گویی که ایشان ماموریت داشته اند که نعمت‌های خدا را در این کار صرف کنند. ولی حقیقتش این است که خداوند نعمت را برای این ارزانیان داشت که شکرگزاری نموده و در راه خیر صرف کنند، و متمکن از احسان و نیکی باشند، هم چنان که ایشان را صحیح و سالم و نیرومند آفرید و از ایشان خواست تا خیر را بر شر و اطاعت را بر معصیت مقدم بدانند، ولی ایشان فسق و فجور را مقدم داشتند، و چون دست و دامن بدان بیالودند. «قول» که همان کلمه عذاب باشد برایشان استقرار یافت، و نابودشان کرد (مقریزی، ۱۴۲۰، صص ۱۰۵).

فرا می‌خوانی، آن کسی است که (هم) توانمند است و (هم) درستکار (و امانتدار).

هنگامی که دختر "شعیب" از کارایی و امانتداری "موسی" سخن گفت، پدرش پرسید: دخترم از کجا دریافتی که او این‌گونه است؟ او پاسخ داد: اما توانمندی و کارایی او را از آنجا دریافتم که سنگ بزرگ دهانه چاه را، که ده نفر جابجا می‌کنند، خودش به تنهایی برداشت و کناری نهاد؛ و درستکاری و امانتداری او را نیز از آنجا دریافتم که وقتی از سوی شما برای دعوت او رفتم، به هنگام آمدن از آنجایی که باد می‌وزید و لباس انسان را جابجا می‌کرد، او خوش نداشت که باد لباس‌های مرا جا به جا کند، به همین جهت از من خواست از پی او حرکت کنم و هر کجا لازم است از پشت سر وی، راه خانه را به او بنمایانم. و اینجا بود که این دو نکته مهم در مورد موسی علاقه "شعیب" را نسبت به او افزود (طباطبایی، ۱۳۶۶، ج ۱۶، ص ۳۸).

همچنین پروردگار در آیه ۵۵ سوره مبارکه یوسف می‌فرماید: «قَالَ اجْعَلْنِي عَلَىٰ خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ»؛ یوسف پیشنهاد کرد، خزانه‌دار کشور مصر باشد و گفت: مرا در رأس خزانه‌داری این سرزمین قرار ده چرا که من هم حافظ و نگهدار خوبی هستم و هم به اسرار این کار واقفم.

تعبیر «إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ» دلیل بر اهمیت "مدیریت" در کنار "امانت" است و نشان می‌دهد که پاکی و امانت به تنهایی برای پذیرش یک پست حساس اجتماعی کافی نیست، بلکه علاوه بر آن آگاهی و تخصص و مدیریت نیز لازم است. هنگامی که شاه گفت که یوسف را نزد من بیاورید، در حضور حضرت یوسف گفت: «إِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِينٌ أَمِينٌ»

مقریزی در اثر خود به مواردی از وجود چنین فساد سیاسی در برخی حکومت‌های پیشین به ظاهر اسلامی، اشاره دارد. مثلاً؛ "حسن ابراهیم حسن" درباره احراز منصب وزارت با پرداخت رشوه در عصر دوم عباسی می‌نویسد: "به دوران دوم عباسی از ضعف خلافت، قوت وزیران بیفزود و رقابت بر وزارت بیشتر شد و دسیسه و رشوه برای وصول به این مقام رواج یافت" (ابراهیم حسن، ۱۳۶۶، ص ۶۰۳).

"آدام متز" درباره همین نوع از فساد سیاسی در عصر آل بویه می‌نویسد: "در سال ۳۵۰ ق ابوالعباس بن ابی‌الشوراب با تعهد پرداخت سالیانه دویست هزار دینار به خزانه معزالدوله، به قضاوت بغداد رسید. او صورت و سیرت زشتی داشت و متهم به غلام‌بارگی و شهوت رانی و شراب‌خوارگی بود" (متز، ۱۳۶۴، ص ۲۵۳).

نخستین پیامد منفی رشوه در جامعه، ویرانی اخلاق اجتماعی است که ضوابط اخلاقی را از بین می‌برد و امید به عدل و قانون را به یأس تبدیل می‌کند. افزون بر این رشوه دستگاه اداری را فلج نموده و باعث حاکمیت روابط بر ضوابط می‌گردد (اصغری، ۱۳۷۷، ص ۱۴۸).

به سبب همین آثار زیان‌بار است که در متون دینی جهت بازدارندگی، رشوه را حرام اعلام کرده‌اند. مصداق همین امر در آیه ۲۶ سوره مبارکه قصص است که می‌فرماید: «قَالَ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ»؛ یکی از آن دو (دختر) گفت: هان ای پدر! او را به خدمت فراخوان، چرا که (در این صورت) بهترین کسی را که به کار

نفسانی خود مبارزه می‌کند.		
اهل استبداد نیست، در همه امور به مشورت با دیگران اقدام می‌کند.	۱۵۹	آل عمران
مبارزه با ظلم و تلاش برای سبک بار ساختن مقررات اجتماعی ملت	۸۸-۸۷	کهف
مسئولیت پذیری نسبت به اعمال زیر دستان و نظارت دقیق با بهره گیری از ابزارهای مادی و معنوی و پاسخگویی نسبت به رفتار آنها	۴۷ و ۴۳	طه

در آیه ۱۸۸ سوره مبارکه بقره نیز همین اصل دوباره مورد تاکید قرار گرفته است: «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِنَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ»؛ و اموال یکدیگر را به باطل (و ناحق) در میان خود نخورید! و برای خوردن بخشی از اموال مردم به گناه، (قسمتی از) آن را (به عنوان رشوه) به قضات ندهید، در حالی که می‌دانید.

جدول شماره ۲. آثار ویرانگر رشوه در جامعه

مضمون اصلی	آیه	سوره
خدا رشوه خواران را سرزنش می‌کند و اموال آن‌ها را پاره ای از آتش دوزخ می‌داند.	۴۱-۴۲، ۶۲-۶۳	مائده
رشوه خواری ننگ آورترین عمل اجتماعی است. علما و دینداران باید در برابر عمل رشوه خواری بایستند و با اهل آن مبارزه کنند.	۵۹	
اهل رشوه همان اهل نفاق هستند		
رشوه امری نابهنجار در حوزه عمل اجتماعی است که با وجود آگاهی همگان از زشتی این عمل باز مرتکب می‌شوند که صاحبان قدرت و منصب در جامعه بیشتر در معرض این فساد هستند.	۱۸۸ و ۲۷۹	بقره
تعدی در اموال دیگران	۲۹	نساء

(یوسف: ۵۵)؛ یعنی شما امروز نزد ما دارای موقعیت و منزلت خاصی می‌باشی و امین و پاکدامن و درستکار هستی (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۴۳۰).

جدول شماره ۱. ویژگی‌ها و خصوصیات حاکم صالح از نظر قرآن

سوره	آیه	مضمون اصلی
مائده	۵۵	کسانی می‌توانند امین خوبی باشند که اهل ایمان به خدا و رستخیز باشند. حاکم صالح همواره به مسئولیت‌های مالی خود عمل می‌کند و زکات مال خود را به موقع می‌پردازد.
بقره	۲۱۳، ۲۴۶- ۲۴۷	برخورداری از توان لازم جسمی امری است که باید حتما در مورد حاکم مورد توجه قرار بگیرد. همچنین عالم باید از مطلق علم برخوردار باشد.
اعراف	۱۲۸- ۱۲۹	همانگونه که مکتب یابی دولت‌ها بر پایه مشیت الهی است، زوال حکومت‌ها نیز وابسته به مشیت الهی است که این تغییرات، آزمونی از سوی خداست و این امتحان تقوا پیشگان به وسیله حکومت است.
نسا	۱۴۱، ۸۳	ایمان شرط دائمی و اصلی حاکمان صالح و مشروع است. اطلاع رسانی دقیق جهت مقابله با هر گونه شایعه و از میان رفتن امنیت روانی و روحی جامعه.
نور	۵۵-۵۶	کسانی لیاقت انتخاب شدن را برای حکومت دارند که اهل تقوا باشند و پرهیزگاری جزو خصیصه ذاتی و طبیعت ثانوی آنان قرار گرفته باشد.
یوسف	۵۴- ۵۷، ۷۸- ۷۹	دولت یابی، مکتب بخشی از سوی خداست تا زمینه مناسبی فراهم شود برای بشر جهت دستیابی به هدف آفرینش هستی و انسان. همچنین امانتداری به عنوان شرط لازم و ضروری برای حاکمان جهت تصدی گری مقام حکومت سخن به میان آمده.
انبیا	۱۰۵	حاکم صالح؛ اهل احسان و گذشت است
		خلافت از آن صالحانی است که در مقام عبودیت نشسته اند و از مقام عبودیت ربوبی بر هستی، مجاز به حکمرانی می‌باشند.
ص	۲۶	حاکم صالح، اهل عدالت است و با هواهای

۲-۲-۱-۲. افزایش مالیات‌ها و هزینه‌های تولید

(غلاء الاطیان)

یکی از کارکردهای سوء مدیریت در جامعه، افزایش هزینه‌های تولید و مالیات به وسیله کسانی است که با پرداخت رشوه پست‌هایی را تصاحب کرده اند. مقریزی چگونگی به بحران رسیدن جامعه به وسیله این عامل را چنین تحلیل می‌کند که وقتی امیران با پول به مناصب دست یافتند، برای نزدیک شدن به سلطان، ابزاری بهتر از پول و ثروت نمی‌یابند و ناچار هریک، زمین‌های اقطاعی و کشاورزان زیر نفوذ خویش را تحت فشار قرار داده و هزینه‌ها را افزایش می‌دهند؛ به طوری که گاهی این هزینه‌ها تا ده برابر افزایش می‌یابند. با این کار محصولی که کشاورزان به دست می‌آورند، بر آن‌ها گران تمام می‌شود (غانم، ۱۹۹۳، صص ۲۵۹-۲۶۰).

در نتیجه بیشتر روستاها و شهرها ویران شده و زمین‌های زراعی بدون کشت رها می‌شوند و جامعه با کمبود محصولات کشاورزی مواجه می‌گردد. به همین سبب کشاورزان در اثر قحطی در سرزمین‌های گوناگون پراکنده می‌شوند (مقریزی، ۱۴۲۰، ص ۶۶). در این صورت است که این سنت الهی مصداق می‌یابد که در آیه ۶۲ سوره مبارکه احزاب می‌فرمایند: «سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا». خدا سنت نهاد، سنت نهادنی درباره کسانی که پیش از این گذشته‌اند و برای طریقه خدا هرگز تغییری نمی‌یابی.

۲-۲-۱-۳. رواج پول کم ارزش (رواج الفلوس)

یکی دیگر از کارکردهای منفی سوء مدیریت در جامعه رواج پول‌های کم ارزش است. شاید بتوان

گفت: مقریزی نخستین نویسنده عرب است که به اثر پول (نقد) در حیات اقتصادی و اجتماعی پرداخته است (ناصری طاهری، ۱۳۷۲، ص ۴۵). هر چند پیش از وی برخی اندیشمندان مسلمان مانند قاضی ابو یوسف، محمد بن حسن شیبانی و... آثاری را در زمینه امور اقتصادی نوشته اند^۱ اما هیچ کدام مانند مقریزی به تحلیل آن پرداخته اند. او میان بحران اقتصادی مصر با سیاست پولی آن کشور ارتباط ایجاد کرده و می‌گوید: بالا رفتن نرخ‌ها و قیمت‌ها ارتباط مستقیم با پول دارد، به طوری که میزان پول موجود در گردش جامعه در بهای اجناس و خدمات تاثیرگذار است. مقریزی برای اثبات نظریه خود در تثبیت پول نقد می‌گوید: همیشه درهم و دینار پول رایج میان ملت‌ها، از آغاز آفرینش تاکنون، بوده است و در هیچ گزارش تاریخی ای نداریم که ملتی جز این دو را به عنوان پول رایج خویش برگزیده باشد.

او به نقل از ابن عساکر در تاریخ دمشق می‌نویسد: نخستین کسی که درهم و دینار را ضرب نمود آدم (ع) بود و هم او گفته است که زندگی و معاش جز در گرو این دو به صلاح نخواهد انجامید» (مقریزی، ۱۴۲۰، ص ۶۶-۶۷). او سپس گزارش نسبتاً مفصلی درباره ضرب سکه از آغاز تا اوایل قرن سوم ارائه کرده و در پایان می‌گوید: نخستین کسی که درهم‌های مغشوش و سکه‌های ناسره ضرب کرد، عبید الله بن زیاد بود. پس از آن در شهرهای دیگر در

۱- برای آگاهی بیشتر درباره کتاب‌های نویسندگان یاد شده در زمینه پول و امور اقتصادی ر.ک: خالد الترمکمانی، عدنان (۱۴۱۱ق)، المذهب الاقتصادي الاسلامی، بیروت: مکتبه السوادی.

اعراف	۹۶ و ۳۴	هر امتی جدا از بقا و فناى افراد آن، بقا و فناى خاص خود را دارد و زمانى که اجل امتى فرارسد هیچ چیز نمى‌تواند از آن جلوگیری کند.
یونس	۴۹-۴۸	سخن از پرسشى است که از سوى مشرکان خطاب به رسول خدا(ص) مطرح شده که: «خدا چه زمانى بین ما و تو قضاوت مى‌کند و ما را هلاک و ایمان آورندگان به تو را نجات مى‌دهد»
نحل	۶۱	کیفر الهی تنها در زمان معین آن فرا مى‌رسد
فاطر	۴۵	کیفر الهی تنها در زمان معین آن فرا مى‌رسد
نوح	۱	موضوع اجل اقوام و امت‌ها بیان شده که در آغاز این سوره هدف از فرستادن نوح را انذار قومش پیش از فرارسیدن عذاب دردناک و سرآمدن اجل مقرر دانسته است.
رعد	۱۱	هرگاه اراده خدا به نابودى قومى تعلق‌گیرد، هیچ قدرتى نمى‌تواند مانع تحقق این اراده شود
انفال	۵۳-۵۲	گرفتار آمدن قوم فرعون پس از کفر و زریدنشان نشانه‌ای از یک قاعده کلی است.

زمان حکومت‌های غیر عرب منتشر شد و تا کنون هم رواج دارد (مقریزی، ۱۴۲۰، ص ۸۴-۸۵).

به اعتقاد مقریزی در این ضرب سکه رازی نهفته است. چرا که هر کس سیره و روش شاهان را مطالعه کند متوجه می‌شود که آن‌ها ابا داشتند که از دیگر سلاطین نامی بماند و دوست داشتند تنها نام خودشان به عظمت برده شود. او در سرزنش شاهان، می‌گوید: بهترین و شریف‌ترین کار برای ماندگاری نام انسان، پیروی از حضرت ابراهیم(ع) است (مقریزی، ۱۴۲۰، ص ۹۲-۹۳).

در آیه ۸۴ سوره مبارکه شعراء از زبان او آمده است: «وَأَجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ»؛ و برای من در میان امتهای آینده، زبان صدق (و ذکر خیری) قرار ده. این بخش که به عوامل بحران اجتماعی و اقتصادی در جامعه اختصاص دارد را می‌توان با آیه ۱۱ سوره مبارکه رعد به پایان برد: «لَهُ مُعَقَّبَاتٌ مِّنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَمَا لَهُمْ مِّنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ»؛ برای او فرشتگانی است که پی در پی او را به فرمان خدا از پیش رو و از پشت سر پاسداری می‌کنند در حقیقت خدا حال قومى را تغییر نمى‌دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند و چون خدا برای قومى آسیبی نخواهد هیچ برگشتی برای آن نیست و غیر از او حمایتگری برای آنان نخواهد بود.

جدول شماره ۳. وقت و اجل شرط نابودى تمدن‌ها

سوره	آیه	مضمون اصلی
کهف	۵۸	خدا به مجرد گناه و عصیان قومى را گرفتار عذاب نمى‌کند بلکه خدا از سر رحمت خود برای هر قومى سر رسیدى تغییر ناپذیر قرار داده است.

۲-۲-۲. دیدگاه مقریزی درباره یک قانون اقتصادی با دقت کردن در آنچه تحت عنوان "رواج پول کم ارزش" به مثابه عاملی از عوامل بحران آفرین در جامعه مطرح شد، به این نتیجه می‌رسیم که مقریزی یک پدیده اقتصادی را به خوبی تحلیل کرده و به این قاعده پی برده است که رواج پول کم ارزش، باعث می‌شود پول خوب و با ارزش از صحنه معاملات خارج شود. این قاعده اقتصادی، به قانون گرشام شهرت یافته و به یک اقتصاد دان و تاجر انگلیسی به نام سر توماس گرشام (۱۵۱۹-۱۵۷۹ق) منسوب است. او در قرن شانزدهم میلادی مشاور عالی ملکه الیزابت انگلیس بوده است (قره باغیان، ۱۳۷۶، ص ۳۳۶).

سنجش تغییرات قدرت خرید پول همت گماشت (میریدی و نوروزی، ۱۳۷۳، صص ۵۴۰-۵۴۱).^۴ به نظر برخی جامعه شناسان اقتصاد، فیشر در نظریه مقداری پول، دنباله رو مقریزی است. مقریزی با بررسی تاریخ انواع پول در مصر، این نظریه را پیش از فیشر مطرح کرده است (غانم، ۱۹۹۳، ص ۲۶۲). آن چه به اهمیت نظریه مقریزی و کتاب اغاثه الامه او می افزاید این است که وی کتاب دیگری به نام "شذور العقود فی ذکر النقود" نوشته و در آن به تاریخ انواع سکه در دنیای اسلام پرداخته که نشانگر علاقمندی او به تحلیل مسائل اقتصادی و اجتماعی می باشد (مقریزی، ۱۴۰۸، ص ۴۴).

مقریزی نیز در بیان اوضاع اقتصادی عصر پر بحران مالیک و به عنوان مثال عصر سلطان برقوق (۷۹۲-۸۰۱ ق) بر همین نکته تأکید دارد و می نویسد: در آن زمان مردم با سه نوع پول داد و ستد می کردند. نخست فلوس مسی بود و بیش از پول‌های دیگر به کار می رفت. نوع دوم دینار (طلا) بود که بسیار اندک به کار می رفت و سوم نقره که به علت کمیابی، داد و ستد با آن باطل شده بود. بنابراین پول مسی به قدری رواج یافته بود که تمام معاملات و کالاها با آن سنجیده می شد و مردم از این وضعیت ناراضی و شاکی بودند (مقریزی، ۱۴۰۸، ص ۷۱).

مقریزی در ادامه تأکید می کند فقط باید پول اصلی گذشته یعنی دینار و درهم (با فلز طلا و نقره) در چرخه معاملات وارد شود. او می نویسد: «ما بر این باوریم که پول نقد (سکه) که شرعا و عقلا اعتبار دارد

این قانون هرچند با عبارت "پول بد، پول خوب را از رواج می اندازد" عنوان شده و در دوره‌های ارزش باختگی سکه یا تضعیف پول به کار می رود، ولی در عمل گویای اصل عمومی تری است. این قانون گرچه به نام «گرشام»^۱ شهرت یافته، اما مقریزی پیش از صد سال از تولد او، این قانون را طرح کرده است. و اینگونه جوهر قانون گرشام را آشکار می سازد و آن این است که وقتی نرخ‌ها افزایش می یابد و دو معدن در ضرب سکه به کار گرفته می شود که یکی گران تر از دیگری است، جامعه را در انجام عملیات پولی متوجه پول کم ارزش تر می کند و باعث پنهان نمودن پول با ارزش تر می شود؛ لذا پول بد، پول خوب را از صحنه خارج می سازد (غانم، ۱۹۹۳، صص ۲۶۳-۲۶۴).

۲-۲-۳. مقریزی و نظریه مقداری پول

قرنها بعد در مغرب زمین، «ایروینگ فیشر»^۲ (۱۸۶۷-۱۹۴۷م) اقتصاد دان مشهور امریکایی که به قول «لایونل رابینز»^۳ مورخ اقتصادی انگلیس، شگفت انگیزترین اقتصاددان نظری - تحلیلی است با تألیف کتاب "شاخص قیمت‌ها" نظریه مقداری یا کمی پول را بنام خود ثبت کرد. نظریه‌ای که میان کمیت پول و سطح قیمت‌ها رابطه برقرار می کند و معتقد است هرگاه ارزش کمی پول تغییر کرد قیمت‌ها نیز تغییر می کند و جامعه دستخوش بحران می شود بعبارتی او در کتاب شاخص قیمت‌ها به مشخص کردن ویژگی‌های بهترین شاخص عملی قیمت‌ها در

۴- جهت آگاهی بیشتر از نظریه فیشر ر.ک: باتلر، ایمون (۱۳۷۷)، اندیشه‌های اقتصادی میلتن فریدمن، ترجمه فریدون تفضلی، تهران، نشر نی.

. Gresham s Law
. Irving Fishre
. Lionel Robbins

فقط طلا و نقره است و چیزی جز این دو صلاحیت پول نقد را ندارند. از سوی دیگر، زندگی مردم به حالت عادی باز نخواهد گشت جز اینکه سکه‌ها به حالت طبیعی و شرعی بازگردند. و آن به این است که قیمت کالاها و ارزش کارها فقط با درهم و دینار (طلا و نقره) محاسبه گردند» (مقریزی، ۱۴۰۸، ص ۸۰).

همین مورخ اقتصاددان مثال روشنی از روزگار خود آورده و بیان می‌کند: «کسی که ده درهم درآمد روزانه دارد، چنانچه آن را به صورت نقره دریافت کند نه فلوس، بر اساس قیمت‌های امروزی نه تنها برای هزینه زندگی اش کافی است بلکه اضافه هم می‌آید؛ چون غذایی که الان قیمتش سی و هفت درهم فلوس است بر اساس نقره، شش و یک ششم درهم خواهد بود» (مقریزی، ۱۴۰۸، ص ۸۶).

با این نظریه، مقریزی را می‌توان از پیشروان تئوری کمیت در ارزش پول دانست. او میان کمیت پول و سطح عمومی نرخ‌ها رابطه ایجاد کرده و می‌گوید بر اساس این نظریه وقتی شرایط معینی موجب تغییر در کمیت پول شد، به همان نسبت در سطح نرخ‌ها تغییر به وجود می‌آید و جامعه را با بحران مواجه می‌سازد. او به کمیت پول به عنوان متغیر مستقل و سطح قیمت‌ها و نرخ‌ها به عنوان متغیر وابسته نگریسته است (غانم، ۱۹۹۳، صص ۲۶۱-۲۶۲).

۳. بحران اقتصادی و پیامدهای آن

۱-۳. سلب امنیت اجتماعی

مقریزی یکی از آثار بحران را، سلب امنیت اجتماعی می‌داند. این نظریه پرداز واقع نگر با پیوند

زدن میان فساد سیاسی، افزایش هزینه‌ها و رواج فلوس از یک سو و تهدید امنیت اجتماعی، از سوی دیگر؛ پدیده اخیر را معلول عوامل سه گانه بحران آفرین در جامعه دانسته است. او به نمونه‌های فراوانی از سلب امنیت اجتماعی در اثر وجود بحران اقتصادی در آثار خود آورده و در این رابطه نوشته است: «در سال ۳۵۲ق که در دولت آل اخشید بحران اقتصادی به وجود آمد و بهای برخی اجناس بسیار افزایش یافت، امنیت اجتماعی مصر سلب شد در این زمان که تدبیر امور جامعه در دست ابومسک کافور اخشیدی بود، باغ و غلات مردم به غارت رفت. به همین سبب آنان برآشفتنند و در روز جمعه وارد مسجد عتیق فسطاط شدند و نزدیک محراب ازدحام کردند. در این شلوغی دو نفر کشته شدند و نماز جمعه اقامه نگردید. پس از مرگ کافور فتنه‌ها و اضطراب‌ها ادامه یافت و در درگیری میان سربازان و امیران عده ای کشته و بازارها غارت گردید و آتش سوزی‌های زیادی به وجود آمد و جامعه کاملاً نا امن شده بود» (مقریزی، ۱۴۲۰، صص ۲۲-۲۳).

۲-۳. تهدید تمامیت ارضی و سیاست خارجی

این یک امر طبیعی است که دولت‌ها و حاکمیت‌ها اوضاع و شرایط داخلی یکدیگر را با دقت دنبال کرده و در زمانی که حکومتی در دوران ضعف و بحران به سر می‌برد، تمامیت ارضی آن را به مخاطره اندازند. یکی از آثار نامطلوب بحران اقتصادی و اجتماعی در جامعه به مخاطره افتادن و تهدید تمامیت ارضی کشور بحران زده است. مقریزی به مواجه شدن دولت فاطمیان با این بحران اشاره کرده که چگونه برخی امیران از این موقعیت بهره برده و سر به شورش می‌نهادند و در اثر آن، بخشی از قلمرو

با نگاهی به نوع طبقه بندی جامعه مصر به هفت صنف معلوم می‌شود معیار مقریزی در این طبقه بندی، ثروت و قدرت است. او می‌نویسد: وقتی جامعه با بحران اقتصادی، گرانی و رواج پول‌های کم ارزش مواجه شد، همه اصناف هفت‌گانه در آن زیان می‌بینند. به گفته مقریزی ممکن است برخی چنین بپندارند که وضع مالی دولتیان بهتر شده است، چون خراج زمین‌هایی که در گذشته، بیست هزار درهم بود، الان به صد هزار درهم رسیده است؛ اما این پندار نادرستی است. وی این مساله را چنین تحلیل می‌کند که آن‌ها در گذشته با دریافت ده هزار درهم، هر چه می‌خواستند می‌خریدند و پس انداز هم می‌کردند؛ زیرا پول رایج آن روز درهمی بود که ارزش آن معادل هزار مثقال طلا و چیزی نزدیک به آن بود. اما اکنون به جای درهم نقره ای، صد هزار درهم پول مسی جایگزین شده است که ارزش آن معادل ۶۶۶ مثقال طلاست.

بنابراین، دولتیان اگر خیر خواه خویش باشند خواهند دانست که با افزایش خراج‌ها، هزینه‌ها، مالیات‌ها و قیمت‌ها نه تنها سودی نکرده اند، بلکه زیان هم دیده اند. مقریزی این زیان را نتیجه کار کسانی می‌داند که برای رسیدن به اغراض سوء خود، حقیقت را کتمان می‌کنند. او در این قسمت از بحث به آیه ۴۳ سوره مبارکه فاطر اشاره دارد: «اسْتِكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَمَكْرَ السَّيِّئِ وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئِ إِلَّا بِأَهْلِهِ». انگیزه این کارشان فقط گردنکشی در روی زمین و نیرنگ زشت بود و نیرنگ زشت جز دامن صاحبش را نگیرد. برابر آنچه که در آیات مربوطه می‌خوانیم، خداوند خود بهترین بکار گیرنده این نوع شیوه در

فاطمیان را از آن‌ها جدا می‌کردند. یکی از مواردی که ضعف مالی و بحران اقتصادی باعث از دست دادن مکه و مدینه گردید، این است که در سال ۴۶۲ق نام مستنصر فاطمی از خطبه افتاد و نام القائم عباسی و عضد الدوله بویهی جایگزین آن گردید. علت افکندن نام خلیفه فاطمی این بود که او هر سال در موسم حج به کاروان راهی مکه یکصد و بیست هزار دینار هزینه می‌پرداخت و چون هزینه‌ها در زمان وزارت یازوری (ناصری طاهری، ۱۳۷۹، ص ۱۴۷).

به دویست هزار دینار در سال رسید، دولت فاطمی نتوانست آن را تامین کند و عضد الدوله به هر یک از امیران مکه و مدینه مبلغ زیادی پرداخت کرد، به همین سبب آن‌ها نام المستنصر را حذف و به جای آن نام القائم عباسی و عضد الدوله را بردند (مقریزی، ۱۹۶۷، ج ۲، صص ۳۰۳-۳۰۴).

مقریزی پس از آن که گزارشی از بحران‌های اقتصادی مصر و علل پیدایش آن‌ها ارائه کرد، به اقشار اجتماعی مصر می‌پردازد و آن‌ها را به هفت صنف تقسیم می‌نماید و وضعیت هر یک را در رابطه با بحران اقتصادی آن کشور، بررسی می‌کند:

طبقات و اقشار اجتماعی مصر در زمان مقریزی	
۱. دولتیان	
۲. بازرگانان ثروتمند و صاحبان نعمت و رفاه	
۳. بازاریان، بزازان و دست فروشان	
۴. کشاورزان و روستاییان	
۵. فقرا و اقشار کم درآمد شامل فقیهان، دانشجویان و بسیاری از نظامیان و کارمندان دولت	
۶. صاحبان صنایع و حرف	
۷. نیازمندان و مساکین، که زندگی را با گدایی می‌گذارند	

جامعه و در نتیجه افزایش بهای آن می‌شود. به اعتقاد مقریزی فساد اداری هم معلول و پیامد فساد سیاسی است؛ زیرا وقتی بتوان با رشوه دادن به مناصب دولتی دست یافت، نتیجه آن در انزوا قرار گرفتن افراد شایسته و کاردان خواهد بود (مقریزی، ۱۴۲۰، ص ۱۱۲-۱۱۳).

۴-۲. اصلاح سیاست پولی

دومین راهکار مقریزی در رها کردن جامعه از بحران اقتصادی و افزایش قیمت‌ها، اصلاح سیاست پولی به وسیله مدیران است. وی راهکار این اصلاح را در بازگرداندن پول رایج به شیوه پیشین و رواج دوباره درهم و دینار (طلا و نقره) و الغای پول‌های کم ارزش مسی یا ارزش باخته دانسته است. در راستای همین هدف است که می‌نویسد: بدان، ما بر این باوریم که پول نقد (سکه) که شرعا و عقلا و عرفا اعتبار دارد، فقط طلا و نقره است و چیزی به جز این دو صلاحیت پول نقد قرار گرفتن را ندارند. از سوی دیگر، زندگی مردم به حالت عادی باز نخواهد گشت جز این که سکه‌ها به حالت طبیعی و شرعی باز گردند و آن این است که قیمت کالاها و ارزش کارها فقط با درهم و دینار محاسبه گردند، نه جز آن (مقریزی، ۱۴۲۰، ص ۱۰۸-۱۰۹).

مقریزی با اشاره به این که گرفتار شدن جامعه به سوء تدبیر حاکمان به سبب رفتار خود مردم است (مقریزی، ۱۴۲۰، ص ۱۱۵) به آیه ۴۱ سوره مبارکه روم اشاره دارد که می‌گوید: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ»؛ به سبب آنچه دستهای مردم فراهم آورده فساد در خشکی و دریا نمودار شده

برابر مکر ظالمین است: «مَكْرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرٌ الْمَاكِرِينَ» (آل عمران: ۵۴).

به اعتقاد وی پیامد بحران اقتصادی، بویژه رواج پول کم ارزش، همه اصناف هفت گانه را شامل می‌شود اما بیشترین آسیب را صنوف چهارم تا هفتم متحمل می‌شوند، به طوری که بسیاری از آن‌ها از بین می‌روند (مقریزی، ۱۴۲۰، ص ۱۰۱).

۴. راهکارهای مقابله با بحران اقتصادی

مقریزی در پایان بحث خود درباره راهکارهای مقابله با بحران‌های اقتصادی، با توجه به نظریه اجتماعی اش صحبت می‌کند. این نویسنده و تاریخ نگار سده‌های هشتم و نهم هجری، برای مقابله با نابسامانی‌های اقتصادی و اجتماعی مصر، محورهای ذیل را برای اصلاح جامعه به عنوان راهکارهای رهایی از بحران ارائه کرده است:

۴-۱. از بین بردن فساد سیاسی و اداری

در مباحث پیشین گفته شد که مقریزی اصل و اساس مفاسد اجتماعی را در فساد سیاسی می‌داند و معتقد است علت اصلی مفاسد اجتماعی را باید در سوء تدبیر زمامداران غافل از مصالح مردم جستجو کرد، نه در گرانی قیمت‌ها (مقریزی، ۱۴۲۰، ص ۱۱۱). به اعتقاد وی دو عامل سبب گرانی می‌شود: سبب نخست، که وی آن را در بیشتر موارد عامل گرانی دانسته است، فساد رأی و نا آگاهی کسانی است که مسئولیت پذیرفته اند و تصمیم گیری در این گونه امور به آن‌ها واگذار شده است. سبب دوم، حادثه پیش بینی نشده ای که منجر به کمبود یک کالایی شده است. مثل نیاز مردم و تقاضای بسیار آن‌ها نسبت به یک کالا است، که منجر به کمبود آن در

نام سر توماس گرشام (۱۵۱۹-۱۵۷۹ق) منسوب است.

قرنها بعد در مغرب زمین، «ایروینگ فیشر» اقتصاد دان مشهور امریکایی با تألیف کتاب «شاخص قیمت‌ها» در سال ۱۹۳۲ نظریه مقداری یا کمی پول را که همان بازخوانی دیدگاه مقریزی است به نام خود ثبت کرد. نظریه‌ای که میان کمیت پول و سطح قیمت‌ها رابطه برقرار می‌کند و معتقد است هرگاه ارزش کمی پول تغییر کرد قیمت‌ها نیز تغییر می‌کند و جامعه دستخوش بحران می‌شود و این اندیشه اقتصادی اجتماعی تقی الدین مقریزی در اغاثه الامه بکشف الغمه است.

مقریزی در بررسی بحران اقتصادی، به پیامدهای آن از جمله؛ سلب امنیت اجتماعی، تهدید تمامیت ارضی و سیاست خارجی اشاره دارد. وی در این بررسی به طبقات و اقشار اجتماعی مصر می‌پردازد و آن‌ها را به هفت صنف تقسیم می‌نماید و وضعیت هر یک را در رابطه با بحران اقتصادی آن کشور، به ویژه در ارتباط با رواج فلوس و چندگانگی پول بررسی و همه طبقات را متضرر می‌بیند.

مقریزی در پایان بحث خود درباره راهکارهای مقابله با بحران‌های اقتصادی، با توجه به نظریه اجتماعی اش صحبت می‌کند. این نویسنده و تاریخ نگار سده‌های هشتم و نهم هجری، از بین بردن فساد سیاسی و اداری و اصلاح سیاست پولی را راهکاری برای مقابله با نابسامانی‌های اقتصادی و اجتماعی و اصلاح جامعه مصر می‌داند.

است تا (سزای) بعضی از آنچه را که کرده‌اند به آنان بچشانند، باشد که بازگردند.

نتیجه‌گیری

تقی الدین احمد بن علی مقریزی (۷۶۶-۸۴۵ هـ.ق) از کارگزاران دیوان انشاء، قاضی، خطیب و محاسب قاهره در دولت ممالیک مصر بود. یکی از آثار گران سنگ این تاریخ‌نگار مصری با نام «اغاثه الامه بکشف الغمه» است که در بردارنده دو نظریه از نظریات جدید و پیچیده اقتصادی است. مقریزی تنها یک نظریه پرداز دور از واقعیت نیست؛ او ابتدا اوضاع اجتماعی مصر را در رویارویی با این بحران اقتصادی توصیف کرده و سپس از آن به علل و اسباب پیدایش بحران، با توجه به آنچه خود دیده، پرداخته است.

عوامل تشکیل دهنده نظریه اجتماعی مقریزی عبارتند از؛ شرایط بحرانی، تجارب شخصی و واقع نگری، که از عوامل بحران زا در جامعه علاوه بر عوامل اجتماعی، مقریزی به عوامل طبیعی همچون نیامدن باران و خشک شدن رود نیل نیز توجه کرده است. از جمله عوامل اجتماعی موثر، سوء مدیریت است که از نظر مقریزی عامل اصلی پیدایش بحران‌های اقتصادی و اجتماعی در جامعه می‌باشد که از جمله پیامدهای این مساله؛ احراز مقام‌های دینی و دولتی با رشوه (فساد سیاسی)، افزایش مالیات‌ها و هزینه‌های تولید و رواج پول کم ارزش است. مقریزی در رابطه با پیامد سوم یعنی رواج پول کم ارزش، به قاعده ای دست می‌یابد که رواج پول کم ارزش (بد و پست)، پول خوب و با ارزش را از صحنه معاملات خارج می‌کند. این قاعده اقتصادی، به قانون گرشام شهرت یافته و به یک اقتصاد دان و تاجر انگلیسی به

منابع

- ۱- لندنز، دیوید (۱۳۸۴)، *ثروت و فقر ملل*، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: سروش.
- ۱۲- متز، آدام (۱۳۶۴)، *تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری*، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران: امیر کبیر.
- ۱۳- مریدی، سیاوش؛ نوروزی، علیرضا (۱۳۷۳)، *فرهنگ اقتصادی*، تهران: موسسه کتاب پیشبرد و انتشارات نگاه.
- ۱۴- المقریزی، احمد بن علی (۱۳۸۷ق)، *اتعاظ الحنفاء باخبار الائمة الفاطميين الخلفاء*، تحقیق جمال الدین الشیال، مصر: مکتبه الثقافه الدینیه.
- ۱۵- همو (۱۴۰۸ق)، *النقود الاسلامیه المسمی بشذور العقود فی ذکر النقود*، تحقیق السید محمد بحر العلوم، بیروت: دار الزهراء.
- ۱۶- همو (۱۴۲۰ق)، *أغاثة الأمة بكشف الغمة*، تحقیق جمال الدین الشیال، مصر: مکتبه الثقافه الدینیه.
- ۱۷- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۹)، *برگزیده تفسیر نمونه*، تحقیق و تنظیم احمد علی بابائی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۱۸- ناصری طاهری، عبدالله (۱۳۷۲)، «تاثیر بحران اقتصادی عصر فاطمی از نگاه مقریزی»، *فصلنامه آینه پژوهش*، تهران: شماره ۲۱.
- ۱۹- همو (۱۳۷۹)، *فاطمیان در مصر*، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- ۲۰- هوبیرت، جورج (۱۳۸۵)، *تجربه آنال*، ترجمه غلام عباس ذوالفقاری، *فصلنامه تاریخ*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد محلات، شماره ۴.
- ۱- قرآن مجید.
- ۲- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۷۶)، *جامعه شناسی ابن خلدون*، تهران: انتشارات تبیان.
- ۳- ابراهیم حسن، حسن (۱۳۶۶)، *تاریخ سیاسی اسلام*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: سازمان انتشارات جاویدان.
- ۴- ابراهیم حسن، علی (۱۹۶۷م)، *تاریخ الممالیک البحریه*، قاهره: بی نا.
- ۵- ابن خلدون، عبد الرحمن (۱۳۶۶)، *مقدمه ابن خلدون*، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۶- اصغری، محمد (۱۳۷۷)، *بررسی حقوقی و فقهی دو مساله رشوه و احتکار*، تهران: انتشارات اطلاعات.
- ۷- امیری (۱۳۷۸)، «رشوه خواری بیداد می کند»، *فصلنامه ترجمان اقتصادی*، تهران: دانشکده علوم اقتصادی، شماره ۹۱.
- ۸- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۶۶)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، تهران: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی.
- ۹- عبدالغنی غانم، عبدالله (۱۹۹۳م)، *علم الاجتماع الاقتصادي فی دراسات المسلمین*، اسکندریه: المکتب الجامعی الحدیث.
- ۱۰- قره باغیان، مرتضی (۱۳۷۶)، *فرهنگ اقتصاد و بازرگانی*، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.